



اصلاحات فرهنگي

امير كبير در ايران ومحمد علي پاشا در مصر

الدكتورة/ ایمان محمد السعيد السيد جمال الدين



نظر به اینکه امیر کبیر در ایران و محمد علی پاشا در مصر هر دو دست به اصلاحات فرهنگی مهمی زده و کشورشان را از جهل و نادانی بسوی علم و دانش سوق داده اند و اقدامات بسیار مفیدی در این زمینه انجام داده اند بر آن شدم تا به بررسی علمی این دو مصلح بزرگپردازم .

این تحقیق مشتمل بر سه فصل و خاتمه تدوین شده است که ترتیب ذیل است:

فصل اول : امیر کبیر و اصلاحات وی در ایران

فصل دوم : محمد علی و اصلاحات وی در مصر

فصل سوم : محمد علی در مصر و امیر کبیر در ایران

خاتمه

امید است که در این تحقیق - هر چند کوچک - در این راه گامی بزرگ برداشته باشم.

واژه های کلیدی: اصلاحات فرهنگی، امیر کبیر، محمد علی پاشا



## فصل اول

### امیر کبیر و اصلاحات وی در ایرن

زندگی نامه : میرزا تقی خان از اهالی قریه "هزاوه" از قرای فراهان است ، در باره سال تولد وی اختلاف است ، بعض از تاریخ نویسان معتقد ند که تولد او سال ۱۲۲۲ ه ق است<sup>۱</sup>

و دیگران بر این عقیده اند که تولد میرزا تقی خان در حدود سال ۱۲۱۰:۱۲۱۵ ه ق اتفاق افتاده است<sup>۲</sup> پی در وی "کربلایی محمد قربان" در سلك خدمتکاران میرزا عیسی قائم مقام بزرگ در آمد، وبمقام آشپزی رسید، ودر زمان میرزا ابو القاسم قائم مقام دوم و صدر اعظم محمد شاه نظارت بر آشپز خانه را احراز کرد<sup>۳</sup>

بنا بر این میرزا تقی خان در دستگاه میرزا ابو القاسم قائم مقام بزرگ شد . بر اثر استعداد فطری وشوق فوق العاده ای که وی داشت قائم مقام به او اجازه داد که با فرزنداناش تحصیل کند .

چندی نگذشت که بر اثر کوشش که در کسب دانش نشان می داد ، ترقی یافت ودر سلك منشیان رسمی استخدام شد، وبعدها به کار استیفاء مشغول شد وتا مقام "مستوفی نظام" رسید. ودر جوانی به سبب حسن سلوک وآشنائی کامل، که به آداب معاشرت با مأموران خارجی داشت ، توجه عباس میرزا ولی العهد را جلب کرد<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> نگاه کنید ، فریدون آدمیت، امیر کبیر ، چ هشتم ، تهران ۱۲۷۸ ه ش ، ص ۲۲، ۲۳

<sup>۲</sup> نگاه کنید، آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان امیر کبیر، چ ۲ ، تهران ۱۳۵۵ ، ص ۴

<sup>۳</sup> علی اصغر شمیم ، ایران در دوره سلطنت قاجار ، چ ۳ ، تهران ، ۱۳۷۱ ه ش ، ص ۱۴۵

<sup>۴</sup> مکی ، حسین ، زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ، چ ۵ ، تهران ۱۳۶۰ ه ش ، ص ۵۷



وهنگامی که خسرو میرزا فرزند عباس میرزا در شوال ۱۲۴۴ هـ ق برای معذرت خواهی از قتل گریبادوف بروسیه رفت، میرزا تقی خان نیز به همراهی وی اعزام شد. و بر اثر لیاقتی که او در این مأموریت نشان داد به مقام وزارت نظام آذربایجان منصوب شد، و ملقب ب "وزیر نظام" گردید.

و در سال ۱۲۴۸ هـ هنگامی که "عباس میرزا" ولی العهد و وزیر میرزا ابو القاسم قائم مقام به ولایتهای شرقی ایران رهسپار گردید و محمد خان زنگنه امیر نظام به نیابت قائم مقام گماشت، میرزا تقی خان فراهانی در خدمت امیر نظام زنگنه داخل گردید، و در دستگاه وی خدمات برجسته انجام داد، تا گام به گام مورد توجه مخصوص او قرار گرفت، و جایگاهش به حدی رسید که در کلیه امور کشور از جزئی و کلی باو مشورت می کرد.

در سال ۱۲۵۲ هـ به همراه محمد خان زنگنه "امیر نظام" و ناصر الدین میرزا ولی العهد به روسیه رفت و در آنجا مورد توجه امپراتور روسیه قرار گرفت.

بعدها در سال ۱۲۵۹ هـ که بین دو دولت ایران و عثمانی اختلاف ایجاد شده بود، میرزا تقی خان بعنوان نماینده دولت ایران به ارزنه روم رفت، و مدت چهار سال در این کشور باقی مانده تا سرانجام موضوع اختلافات دو دولت حل شد، و در سال ۱۲۶۳ هـ عهد نامه ارزنه روم امضا رسید<sup>۱</sup>

در سال ۱۲۶۴ هـ محمد شاه در تهران وفات یافت<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> نگاه کنید، اربابی، بهداد، طلوع رستاخیز، دوران اصلاحات امیر کبیر، چ اول، تهران ص

<sup>۲</sup> نگاه کنید، انقطاع، ناصر، امیر کبیر فرزند خلف ایران، تهران، ۱۳۵۰ ص ۸



وناصر الدین میرزا از آذربایجان به تهران حرکت کرد، و وقتی که موکب شاه جدید به قریه "یافت آباد" واقع در غرب تهران رسید لقب و مقام امیر نظام را که سابقاً "محمد خان زنگنه" داشت بمیرزا تقی خان تفویض کرد. و چون در روز شب شنبه بیست و دوم ذیقعدة بتخت سلطنت نشست ، در همان شب مقام صدارت عظام و اتابک اعظم را به وی تفویض کرد<sup>۱</sup>.

### امیر کبیر

وقتی که میرزا تقی خان بصدارت رسید امور کشور بطور کلی خراب بود. و خزانه دولت بر اثر عدم کفایتی حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم محمد شاه تهی بود، اما امیر کبیر مصمم شد که خراب و فساد دولت را اصلاح کند، و برای تحقق این هدف برنامه اصلاحی ویژه ای را تنظیم و اجرا کرد.

بزرگترین هدف وی در دوران صدارتش این بود که از نفوذ روس و انگلیس بکاهد ، و همین سیاست و سایر اقدامات اصلاحی او باعث شد که مخالفان بر علیه وی توطئه کنند و شاه را وادار بعزل و تبعید وی به کاشان کنند که در پایان به صدور حکم قتل در روز جمعه هفدهم ربیع الاول ۱۲۶۸ هـ منجر شد، و در حمام باغ فین کاشان به نهایت رسید<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> رافسنجانی، علی اکبر هاشمی، امیر کبیر یاقهرمان مبارزه با استعمار چ ۱۱، تهران ۱۳۷۳ هـ ش ص ۴۳؛ نگاه کنید، ایمان محمد السعید جمال الدین، امیر کبیر و دوره فی نهضه ایران الحدیثة، مع ترجمة مختارات من کتاب امیر کبیر لرافسنجانی (کارشناسی ارشد، چاپ نشده)، ص ۲۰۹.

<sup>۲</sup> ژنرال سرپرسی سایکس ، تاریخ ایران، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی کیلانی ، ج ۲، ۵، تهران ۱۳۷۰ هـ ش ص ۴۹۸.



و بدین ترتیب یکی از بزرگترین دوره‌های اصلاحگری در تاریخ ایران به انجام رسید. و عمر امیر کبیر که در ظرف چند سال کوتاه توانسته بود خدمات برجسته‌ای بایران بکند به پایان رسید .

"میگویند که وقتی يك مسافر باغهای فریبده و غرغه های زیبا فین را تماشا میکند دچار تأسف و حسرت شده و مخصوصا وقتی که فکر میکند اگر این وزیر مدت بیست سال در مقام خود باقی مانده بود میتواندست مردان شرافتمند وفاداری را تربیت کند که لیاقتی جانشینی او را داشته، تحسر و تأسف انسان زیاد تر میشود".

### ۱. دار الفنون

دار الفنون از مهمترین اقدامات امیر کبیر بشمار می آید، و بدیهی است فکر ایجاد دار الفنون پس از مسافرت او به روسیه و ارزروم و دیدن مدارس نظامی و علمی صنعتی در وی بوجود آمد، می دانست که همه جوانان ایران تمام فنون جدید را که در ایران وجود ندارد ، در این مدرسه یاد میگیرند چون در این نوع مدرسه که شعب زیاد و مختلف باهم ارتباط داشتند نام آنرا دار الفنون گذاشت<sup>۱</sup>.

قدیمترین دار الفنون جهان دار الفنون پاریس است بعد از آن دار الفنون استانبول که در سال ۱۲۶۳ هـ تأسیس شده است و احتمالاً ایجاد دار الفنون در استانبول در امیر کبیرتأثیر گذاشت<sup>۲</sup> و تصمیم گرفت اگر بمقام بلند تر برسد چنین دار الفنونی را تأسیس کند .

<sup>۱</sup> رافسنجانی ، علی اکبر هاشمی ، امیر کبیر یاقهرمان مبارزه بااستعمار ص ۱۰۶؛ نگاه کنید، ایمان محمد السعید جمال الدین، امیر کبیر ودوره في نهضة إيران الحديثة، منبع پیش، ص ۱۱۳-۱۲۰.

<sup>۲</sup> آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان اکبر کبیر ص ۱۵۷



در ابتدای امر ناصر الدین شاه معتقد بود که اگر مانند این مدرسه ساخته شود ممکن است بامخالفت روحانیون متعصب روبرو شود وبامحصلین ومعلمین این مدرسه مخالفت کنند بنابر این اعتقاد داشت که اعزام محصلین به اروپا برای فراگرفتن علوم جدید وفنون بهتر از ایجاد این چنین مدرسه است<sup>۱</sup>.

اما امیر کبیر شاه را قانع کرد که بجای آنکه دولت ایران بیست محصل باوروپا اعزام دارد میتواند بابودجه آن هفت معلم از اروپا استخدام کند ودر عوض ده نفر دویست نفر شاگرد را میتوان با آن هفت نفر معلم تربیت کند .

در نتیجه در اوائل سال ۱۲۶۶ هـ امیر کبیر سنگ بنای دار الفنون را گذاشت در زمین واقع در شمال شرقی ارك سلطنت که پیش از آن سربازخانه بود<sup>۲</sup>.

امیر کبیر به میرزا رضا خان مهندس که یکی از دانشجویانی بود که در زمان عباس میرزا برای تحصیل به انگلستان رفته بود فرمود که نقشه بنای مدرسه بکشد ومحمد تقی خان معمار باشی دولت را به ساختن آن مکلف نمود<sup>۳</sup>.

بنای قسمت شرقی دار الفنون تا اواخر ۱۲۶۷ به انجام رسید، وبقیه آن تا اوائل سال ۱۲۶۹ هـ تمام شد. واین مدرسه شامل پنجاه اطاق منقش ومذهب وتالار تئاتر بود. ودر پشت ساختمان کارگاه شمع کافوری وآزمایشگاه فیزیک وشیمی ودواسازی وچاپخانه به علاوه کتابخانه وسفره خانه ساختند<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> مکی، حسین، زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ص ۳۴۱

<sup>۲</sup> یغمائی، عباس اقبال، دار الفنون، تهران ص ۴۶

<sup>۳</sup> عظامی، مسعود، امیر کبیر در آئینه انقلاب، چ اول، تهران ۱۳۷۷ هـ ش ص ۲۸

<sup>۴</sup> آدمیت، فریدون، امیرکبیر وایران ص ۳۵۵



با شروع ساختن ساختمان در سال ۱۲۶۶ هـ امیر کبیر "جان داود دروین" را که کارمند و مترجم وزارت امور خارجه بود برای استخدام شش معلم از اتریش و پروس فرستاد تا آن معلمان را برای مدت شش سال با حقوق سالیانه به مبلغ چهار هزار و چهار صد تومان و خرج آمدن و برگشتن استخدام کند، معلمان در زمینه ها مختلف و متنوع بودند عبارت بودند از معلم پیاده نظام ، معلم حکمت و جراحی و تشریح ، معلم سوار نظام ، معلم هندسه ، معلم علم معادن ، معلم توپخانه ، و پس از چندی امیر سه نفر دیگر را بر آن شش نفر افزوده يك نفر داروساز و دو معدنچی<sup>۱</sup>.

جان داود دروین به دربار امپراتور "فرانسو ژوزف" امپراتور اتریش رفت و امپراطور از جان داود استقبال گرمی نمود و طلب او را قبول کرد، جان داود با هر يك از معلمان قرار داد یکسان امضا کرد.

در ۲۷ محرم ۱۲۶۸ هـ (یعنی دو روز پس از عزل امیر کبیر از صدارت) پنج معلم با جان داود خان به تهران وارد شدند بخاطر اینکه دو نفر قبل به ایران آمدند، و این دو نفر عبارت بودند از معلم پیاده نظام و معلم سوار نظام قبل از شش ماه از عزل امیر کبیر، یعنی هفت ماه پیش از افتتاح رسمی مدرسه دار الفنون رشته فنون نظامی در آن مدرسه گشایش یافت<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> منبع پیش ص ۳۵۷

<sup>۲</sup> نوائی، عبد الحسین ، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری ، چ اول ، ج دوم ،

تهران ۱۳۶۹ ص ۵۰۴





مدرسه دار الفنون سیزده روز پس از کشته شدن امیر کبیر، یعنی در پنجم ربیع الأول ۱۲۶۸ هـ افتتاح شد.<sup>۱</sup>

وریاست آن بعهده میرزا محمد علی خان وزیر امور خارجه محول شد. بنا بر این، امیر کبیر مقدمات تأسیس و افتتاح دار الفنون فراهم ساخت و کلیه لوازم و حوایج آن مدرسه را آماده ساخت، اما متأسفانه پس از این همه تلاش و کوششهای مداوم حاصل نتیجه کارش را ندید. حتی داود خان که در "پروس" سرمایه برد و امیر کبیر چندین نامه برای او ارسال داشت تا هر چه زودتر با معلمین در افتتاح دار الفنون حاضر باشد، ولی متأسفانه این کار عملی نشد چون وی پس از قتل امیر کبیر بایران رسید.<sup>۲</sup>

امیر کبیر شخص باتجربه و دنیا دیده و بسیار باهوش بود، و در استخدام معلمین از خارج نیز بسیار دقیق بود، و نمیخواست که از کشورهای باشند که از ایران منافع سیاسی دارند بویژه وی اصلاً نمیخواست که معلمین از دولتهای انگلیس و روسیه باشند.<sup>۳</sup>

چون همیشه میخواست از تسلط و نفوذ و مداخلات سیاسی و استعماری آنان بکاهد، و بعلت همین کوششهاست که می بینیم نام امیر کبیر همیشه با دار الفنون همراه و عجین است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> حسن، پور، یاد از سالگرد درگذشت امیر کبیر، "امیر بیداری"، مجله نمایه

<sup>۲</sup> نگاه کنید، سید علی آل داود، اسناد نامه های امیر کبیر، چ اول، تهران ۱۳۷۹ هـ ش  
ص ۱۶۸ - ۱۶۹

<sup>۳</sup> آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران ص ۲۶۱

<sup>۴</sup> احمدی، مهران امیر، امیر کبیر و اصلاحات، اطلاعات، ۶ آذر ۱۳۸۰ هـ ش، ص ۱۶۲



یکی دیگر از اقدامات برجسته امیر کبیر در زمینه شنوون فرهنگی ایجاد روزنامه به نام روزنامه وقایع اتفاقیه بود که این روزنامه اولین روزنامه نیست که در ایران منتشر شده است زیرا که پیش از آن روزنامه ای دیگر به نام "کاغذ اخبار" به توسط میرزا صالح شیرازی<sup>۱</sup> در تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۵۲ هـ منتشر شده بود.

بعد از مدت چهارده سال تقریباً امیر کبیر روزنامه ای به نام وقایع اتفاقیه را در ایران تأسیس نمود، و شماره اول آن روزنامه در روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ هـ در طهران منتشر شد، و در صفحه اول آن علامات "شیر و خورشید" و عبارت "یا اسد الله الغالب" رقم شد، و در طرفین آن صورت دو درخت کشیده و در وسط ورق "روزنامه چه اخبار دار الخلافه" نوشته شده بود<sup>۲</sup>. امیر کبیر مدیریت روزنامه وقایع اتفاقیه را به "حاجی میرزا جبار" کنسول سابق ایران در بغداد سپرد، و مترجم آن شخص انگلیسی به نام ادوارد برجیس و نویسنده آن "عبد الله روزنامه نویس" بود<sup>۳</sup>.

روزنامه وقایع اتفاقیه روزنامه هفتگی بود با چاپ سنگی به چاپ میرسید، و شیوه نوشتن آن خالی از تقلید و تکلف بود و هیچ وقت در این روزنامه نام

<sup>۱</sup> میرزا صالح شیرازی یکی از شاگردانی است که در زمان عباس میرزا برای فراگیری علوم و فنون به انگلستان رفته بود و فن چاپ را آموخته و در ایران چاپ سنگی را تأسیس کرد، نگاه کنید؛ آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان امیر کبیر ص ۱۴۱-۱۴۶

<sup>۲</sup> محمد صدر هاشمی؛ تاریخ جرائد و مجلات ایران، اصفهان ۱۳۶۴ هـ ش، ص ۳۳۰

<sup>۳</sup> نگاه کنید، عظامی، مسعود، امیر کبیر در آینه انقلاب، ص ۵۶



والقاب واصلاحات واقدمات امير كبير نوشته شد و اگر در يك جا صحبت از اقدامات دولت بود مباشرين روزنامه همه را به نام امنای دولت ذکر میکردند<sup>۱</sup>.

موضوعات و مندرجات روزنامه درباره اخبار داخلی و خارجی ایران و مطالب

مربوط به آن در جهان بوده است، چون امير كبير می خواست مردم ایران با دنیای جدید و فرهنگهای دیگر کشورها آشنا شوند<sup>۲</sup>؛ لذا در طول مدت انتشار کمتر مقاله سیاسی و ادبی و تاریخی در آن دیده میشود<sup>۳</sup>.

در این روزنامه پس از ذکر اخبار ولایات، یکی دو صفحه روزنامه تحت

عنوان (اخبار دول خارجه) مخصوص ذکر وقایع ممالک اروپا و امریکا بوده است<sup>۴</sup>. اخبار دول خارجه روزنامه از روزنامه های خارجی ترجمه می شد و مترجم آن همان (برجیس صاحب) مباشر و مترجم روزنامه بوده است<sup>۵</sup>.

<sup>۱</sup> آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، ص ۳۷۴

<sup>۲</sup> مکی، حسین؛ زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ص ۳۵۴

<sup>۳</sup> محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ص ۳۳۲

<sup>۴</sup> نگاه کنید؛ روزنامه وقایع اتفاقیه

<sup>۵</sup> محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ص ۳۳۲



۳. ترجمه و نشر کتاب:

از دیگر اقدامات و اصلاحات برجسته امیر کبیر در این زمینه ایجاد دستگاه مترجمان دولتی بود، که بوسیله آن حرکت ترجمه و نشر کتاب در ایران رونق یابد، که اینکار از زمان عباس میرزا و وزارت میرزا بزرگ قائم مقام شروع شد.<sup>۱</sup> گروه مترجمان این دستگاه عبارت بودند از: اتباع فرنگی مستخدم دولت، ایرانیان مسیحی، شاگردان ایرانی که در فرنگ درس خوانده بودند یا در ایران زبانهای مختلف را آموخته بودند.<sup>۲</sup>

در دوران صدارت امیر کبیر کتابهای خیلی زیادی از اروپا به ایران رسید، و در سال ۱۲۶۵ هـ تقریباً دویست ونود و سه جلد کتاب و سیصد و بیست و سه نقشه جغرافی عالم از فرانسه آوردند<sup>۳</sup>، که این تعداد درین زمان نسبتاً تعداد زیادی بشمار می آمد.

هچنین امیر کبیر چاپخانه در قسمتی از مدرسه دار الفنون قرار داشت و کتابهای که هیئت مترجمان دولتی ترجمه یا تألیف میکردند در این چاپخانه بچاپ می رسید.

<sup>۱</sup> نگاه کنید؛ پناهی سمنانی، احمد، امیر کبیر تجلی افتخارات ملی، ج "ا" نهران ۱۳۶۳ هـ ش، ص ۱۵۷

<sup>۲</sup> آدمیت؛ فریدون، امیر کبیر و ایران ص ۳۷۹

<sup>۳</sup> آدمیت، همان منبع، ص ۳۸۰



## فصل دوم

### محمد علی پاشا واصلاحات وی در مصر

محمد علی پاشا یگانه فرمانروای شرقی اسلامی است که در اوایل قرن نوزدهم میلادی به فکر استفاده از علوم و معارف غربی افتاده، و از بدو فرمانروای خویش ملت خود را به کسب صنایع و آداب و تمدن عالی اروپا و ادار ساخت، و چنانکه خود می‌گوید "اگر ده عمر دیگر داشتم همه را صرف آبادانی مصر می‌کردم"<sup>۱</sup>.

زمانی که محمد علی فرمانروای مصر شد، حال آنروز کشور مصر بویرانی می‌ماند، با اینکه گنجهای شایگان در آن پنهان باشد. وی که بوجود يك ارتش با تعلیمات جدید شدیداً احساس نیاز می‌کرد، به افتتاح و تکثیر مدارس همت گماشت، زیرا ارتش جدید و چیزهای دیگری چون طب و هندسه و امثال آن را نیز لازم داشت<sup>۲</sup>.

زندگی نامه: محمد علی پاشا در شبه جزیره بالکان جنوب مقدونیه در شهر قوله به سال ۱۷۶۹م متولد شد<sup>۳</sup>، نام پدرش ابراهیم آقا رئیس امنیه آن شهر بود، محمد علی به مکتب نرفته و در آموزشگاه طبیعت پرورش یافت، ولی در کودکی از پدر یتیم شد، و پیش عمویش "طوسن" بود، اما او هم به زودی وفات یافت.

<sup>۱</sup> الأیوبی، إلیاس، محمد علی سیرته واعماله وآثاره، قاهره ۱۹۳۲م

<sup>۲</sup> نگاه کنید، الفاخوری، حنا، تاریخ ادبیات زبان عربی ترجمه عبد الحمید آیتی، نهران، ص ۶۵

<sup>۳</sup> محمد صبری، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث، القاهرة، ۱۷۴۱۷ هـ ۱۹۹۶م،



پس از طوسن محمد علی به خانه حاکم قوله "اسمعیل بیک" منتقل شد، و در آن خانه نشو و نمو یافت، و بیش از هر چیز به سلحشوری و کارزار علاقمند شد. و در ۱۸ سالگی به علت سرکوبی یاغیان در روستای "پراوستا" که بر علیه اسمعیل بیک شوریده و مالیات نمی پرداختند انگشت نمای خودی و بیگانه شده، و مقرب درگاه اسماعیل بیک شد<sup>۱</sup>.

از سوی دیگر مصر در سال ۱۸۰۱ میلادی پس از ترک فرانسویان از سه جانب تهدید می شد، که عبارت بودند از:

اول: ممالیک که برسم فتودالهای قرون وسطی هر دسته ای در نقطه ای گرد آمده و جان و مال اهالی را در خطر می انداختند.

دوم: سلاطین آل عثمان، که دوباره در صدد بسط نفوذ و توسعه اقتدار خویش بر آمد و کشور مصر را کاملاً تحت الحمایه من خواستند.

سوم: دول استعمارگر فرنگ که برای تصرف هند و سایر اقطار آسیا و آفریقا به تصرف مصر احتیاج داشتند<sup>۲</sup>.

اوضاع داخلی مصر نیز ناامن و ظلم و بیداد ممالیک و پادشاهان عثمانی، فقر و جهالت و امراض و بلیات عمومی کشور مصر را به روز تباهی آورده بود. موقع تاخت و تاز فرانسویان در مصر سلطان عثمانی به لشکر کشی مشغول شده و فرمان تجهیز عمومی داد، منجمله اسمعیل بیک فرماندار قوله هم تهیه لشکر شده

<sup>۱</sup> علی جواهر کلام، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ، نهران ۱۳۲۰ هـ ش، ص ۴۰

<sup>۲</sup> محمد صبری، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث، ص ۳۴-۱۶



وعلي رغم بی میلی محمد علی، سرپرستی سپاهیان داوطلب قوله را که ۳۰۰ نفر بودند به وی وپسر خود علی آقا سپرد<sup>۱</sup>.

محمد علی در ماه مارس ۱۸۰۱ میلادی وارد مصر شد و در زد و خورد های اترک و فرانسه شرکت نمود، و طوری رشادت به خرج داد که "خسرو پاشا" والی عثمانی او را مقرب خویش نمود، ورتبه عالی بوی داد، ولی محمد علی توجه به عثمانیان نکرد چون فهمید که مصریان تشنه آزادی و استقلال هستند و از حکومت هر بیگانه بیزارند، و می خواهند فرمانروای خود باشند، برای همین محمد علی به عثمانی و ممالیک و فرنگیان پشت کرده و رو به ملت مصر نمود، و با همراهی و پشتیبانی رجال نامی مصر به مقصود خود نائل آمد<sup>۲</sup>.

پس از کشته شدن "علی پاشا" ممالیک بر تمام مصر دست یافتند، و طولی نکشید که فرنگیها با عثمانیها وارد مذاکره شدند تا ممالیک در اقتدار خود باقی بمانند. مردم مصر که از ممالیک بستوه آمده بودند با دستیاری محمد علی بر ممالیک شوریدند، و محمد علی از آغاز ورود به مصر آنی از توجه به اوضاع ملت غافل نشده. "خورشید پاشا" از سران عثمانی را بولایت مصر انتخاب کرد که از این انتخاب چندین منظور داشت: یکی اینکه دست ممالیک را که دشمن نیرومندی بودند، کوتاه کند، و دیگر آنکه بی طرفی خود را مدلل سازد و رضایت باعالی را جلب نماید، و از طرفی عدم لیاقت پاشایان را به مصریان ثابت کند<sup>۳</sup>.

پس از مدتی به علت تعدی خسرو پاشا به جان و مال مردم، اختلافاتی میان او و محمد علی بوجود آمد تا اینکه محمد علی به پشتیبانی مردم مصر وارد قاهره

<sup>۱</sup> نگاه کنید، علی جواهر کلام، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ، ص ۴۲

<sup>۲</sup> همان، ص، ۴۲-۴۳

<sup>۳</sup> محمد صبری، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث، ص ۳۲ ۳۳



شد، وعلمای مصر هم به عنوان اعتراض به خبر مبنی بر اینکه محمد علی به حکومت "جده" انتخاب شده جامع ازهر را بستند، واهالی هم شورش نموده، وتعطیل عمومی اعلان شد، و بزرگان مصر اعلامیه ای شبیه اعلامیه حقوق بشر صادر نمودند، ومقرر داشتند که :

۱- بدون اجازه موافقت اهالی مصر مالیاتی وضع نگردد

۲- ارتش نا منظم منحل گردد

۳- حمل اسلحه در شهرهای مصر ممنوع گردد<sup>۱</sup>.

وبالآخره در روز دو شنبه ۱۳ ماه مه در سال ۱۸۰۵ میلادی بزرگان و علمای قاهره در "جمالیه" خانه قاضی القضاة مصر گرد آمدند وبه اتفاق آرا محمد علی را بفرمانروایی خود انتخاب کردند، و خلعت فرمانروایی مصر را با دست محبت بر قامت محمد علی پوشاندند، و او را فرماندار ملی خود را خواندند.

محمد علی پاشا در ابتدای حکومت خود دست به جنگ‌هایی زد که عبارت بودند از :

۱- جنگ وهابیان (۱۸۱۱-۱۸۱۹م)

۲- جنگ سودان (۱۸۳۰-۱۸۳۳م)

۳- جنگ یونان (۱۸۳۱-۱۸۳۸م)

۴- جنگ سوریه و آناتولی (۱۸۳۱-۱۸۴۰م)<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> علی جواهر الکلام ، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ ، ص ۴۵-۴۶

<sup>۲</sup> عبد الرحمن الرفعی ، عصر محمد علی ، القاهرة ۱۹۸۳م ص ۲۸۲: ۱۸۱





سپس محمد علی پاشا دست به اصلاحات داخلی در مصر زد مانند :

ارتش ، دانش و فرهنگ ، امور اقتصادی ، اصلاح امور اداری و مجلس شورای مصر ،

این همه اصلاحات و اقدامات محمد علی پاشا باعث شد که همه کشورهای اروپا بر او توطئه کردند، و در ضمن عهد نامه لنده ۱۸۴۱م او را وادار نمودند که حکم امپراطوری خود را ترك نمود<sup>۱</sup>.

وپاشا تمام کوشش های خود را صرف اصلاحات داخلی کرد.

پاشا در سال دوم ماه اوت ۱۸۴۹م در شهر اسکندریه وفات یافت. ولی بنا بوضیعت وی جسدش را در جامع قلعه در قاهره بخاک سپرده<sup>۲</sup>.

### اصلاحات فرهنگی محمد علی

اگر بخواهیم "دار الفنون" امیرکبیر را با مدارس عالییه محمد علی پاشا مقایسه کنیم باید بگویم که محمد علی پاشا دانشکده و مدارس عالییه و مدارس تحصیلی را در اماکن مختلف مصر بنیان گذاشت، ولی امیر کبیر تمام علوم را در يك مدرسه احداث کرد، و بنا بر این بنده ترجیح دادیم که نام دار الفنون نیز بر مدارس و دانشکده محمد علی پاشا را می نامیم :

### دار الفنون

<sup>۱</sup> جلال الدین الشاعر ، حقائق ومعالم من التراث الحضاری ، القاهرة ، ص ۱۸، ۱۷

<sup>۲</sup> نگاه کنید ، علی جواهر کلام ، خاندان محمد علی بزرگ ، ص ۷۶



محمد علی برای اصلاح کشور بخوبی می دانست که برای اینکار باید گروهی را از کشور به خارج فرستاده و معلمین از اروپا را بداخل کشور بیاورد، و مدارس را احداث و به آموزش و نشر فرهنگ سامان دهد.<sup>۱</sup>

بهمین جهت ب فکر استخدام خارجیان افتاد که بتدریج مصریان جای آنها را بگیرند وی از نظام جدید اروپائی برای نشر علم و تأسیس مدارس جدید اقتباس نمود . وی نخست مدارس عالی تأسیس و گروهی برای آموزش به خارج فرستاده، سپس به تعلیم ابتدائی توجه نمود. چنانکه می بینیم در سال ۱۸۲۶م حدود ۴۵ جوان از روستاها و غیره راباهزینه حکومت تحصیل به فرانسه گسیل داشت.<sup>۲</sup>

اما قبل از آن اولین فکری که به خاطره محمد علی آمد تأسیس مدرسه عالی مهندس بود، چون بنظر وی برای عمران و آبادنی مصر نیاز به مهندسین و تعلیم مهندس بود ، جبرتی در رویدادهای ۱۸۱۶م (۱۲۳۱هـ) یاد آور می شود که اولین مدرسه مهندسی در مصر بهمین سال تأسیس شد.

و در باره ای آن می نویسد که شخصی بنام "حسین شلبی عجوه" دستگاهی جهت پاکسازی برنج اختراع و آن را به محمد علی عرضه نمود، و محمد علی ضمن تجلیل از وی دستور می دهد که چنین دستگاهی را ساخته و در دمیاط ورشید بکار اندازند و همین امر باعث می شود که فکر تأسیس مدرسه مهندسی در وی بوجود آمده و چنین مدرسه ای را در قلعه تأسیس می نماید.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> محمد صبری ،تایخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث ، ص ۴۵

<sup>۲</sup> هنری دودویل، محمد علی مؤسس مصر الحديثة، ترجمة: احمد محمد عبد الخالق بك وعلی احمد شکری، قاهرة ن ص ۲۲۸

<sup>۳</sup> نگاه کنید ، عبد الرحمن الرفعی ، عصر محمد علی ص ۴۰۳: ۳۹۷



در این مدرسه بدانش آموزان دروس ریاضی و هندسه آموخته شد، و دانش آموزان علاوه بر خوراک و پوشاک شهریه ای نیز دریافت می دهند ، در این مدرسه از استادانی مانند حسن افندی ، درویش موصلی ، روح الدین افندی واز تعدادی از استادان اروپائی بهره می جستند، و به گفته جبرتی این اولین مدرسه عالی مهندسی یا مهندسخانه در سال ۱۸۱۶ میلادی در قلعه تأسیس گردید<sup>۱</sup>.

اما دانشکده ها و آموزشگاههای که توسط محمد علی پاشا در مصر از سال ۱۸۱۶-۱۸۳۷ میلادی تأسیس گردید بشرح ذیل می باشند<sup>۲</sup>:

- ۱- دانشکده مهندسی عالی در قلعه : در مورد این مدرسه عالی فوق الذکر گفتیم
- ۲- دانشکده پزشکی و جراحی و مامائی و ضمیمه بیمارستان و باغ گیاه شناسی در قاهره (۱۸۳۷م)
- ۳- دانشکده ای مهندسی عالی در بولاق (۱۸۳۴م)، شاید محمد علی این مدرسه را تأسیس کرد برای اینکه مدرسه قلعه عدد زیادی از مهندسان ایفا نکرد
- ۴- دانشکده ای معدن شناسی در مصر قدیمه (۱۸۳۶م)
- ۵- دانشکده ای هنر و پیشه (۱۸۳۹م)
- ۶- دانشکده ای کشاورزی در شبرا (۱۸۲۶م)
- ۷- دانشکده ای دام پزشکی : اول در رشید بود سپس به شبرا منتقل شد

<sup>۱</sup> هند اسکندر عمون، تاریخ مصر، قاهره ۱۲۴۱ هجری، ۱۹۳۳م، ص ۳۹۹

<sup>۲</sup> نگاه کنید ، عبد الرحمن الرفاعی ، عصر محمد علی، ص ۴۰۳: ۳۹۷

۸- دانشکده ای زبانهای خارجه : در ازبکیه (۱۸۳۶م)، این مدرسه به پیشنهاد رفاعة طهطاوی تأسیس گردید<sup>۱</sup>

۹- دانشکده ای حسابداری: در سیده زینب (۱۸۳۷م)

دانشجویان این دانشکدهها مرتبا ماهانه لباس و خوراک از پاشا در یافت می کردند و نسبت به آنان کمال مهربانی ابراز می شد تا سایرین هم به آنها تاسی نمایند<sup>۲</sup>.

محمد علی پاشا علاوه بر مدارس عالی فوق الذکر در سال ۱۸۲۷ میلادی حدود ۴۰ مدرسه ابتدائی در وجه بحری و ۲۶ مدرسه ابتدائی در وجه قبلی تأسیس نمود و ۲ مدرسه مجهز نیز در قاهره واسکندریه تأسیس کرد<sup>۳</sup>.

در سال ۱۸۳۷م وزارتخانه ای بنام (دیوان معارف) در مصر تأسیس گردید<sup>۴</sup> که برای تأسیس آن فارغ التحصیلان خارج از کشور کمک نمودند، ریاست آنرا نخست "مصطفی مختار بك" یکی از اولین فارغ التحصیلان اعزامی به خارج عهده دار شد، و پس از وی "ادهم بك" در سال ۱۸۳۹ م ریاست آنرا بعهده گرفت ، این وزارتخانه تصمیم به احداث مدارس ابتدائی مجانی گرفت که، رویهمرفته ۵۰ مدرسه ابتدائی در نظر گرفته شد، که از این تعداد ۴ مدرسه در قاهره بود، و قرار بر آن گردید که تعداد دانش آموزان مدارس ابتدائی در قاهره واسکندریه هر کدام ۲۰۰ دانش آموز، در مدارس اقالیم هر کدام صد دانش آموز باشد<sup>۵</sup>.

<sup>۱</sup> علی جواهر کلام ، تاریخ مصر خاندان محمد علی بزرگ ، ص ۶۷

<sup>۲</sup> منبع پیش ، ص ۶۸، ۶۷

<sup>۳</sup> محمد صبری ، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث ، ص ۵۶

<sup>۴</sup> علی جواهر کلام ، منبع پیش ، ص ۶۷

<sup>۵</sup> عبد الرحمن الرفاعی ، عصر محمد علی ، ص ۴۰۴



آموزش در مدارس مجانی بود وهزینه تحصیلی هم به آنها داده می شد، ومی گویند در زمان محمد علی پاشا در مصر حدود ۹۰۰۰ دانش آموز - با وجود آنکه مردم در آن دوره تعلیم را دوست نمی داشتند - وجود داشت<sup>۱</sup>.

مدارس ابتدائی (که معروف به مکتب بودند) از سال ۱۸۳۷م به بعد در مصر تأسیس گردید در قاهره ، اسکندریه ، بحیره ، غربیه ، شرقیه ، منوفیه . دقهلیه ، قلیوبیه ، جیزه ، فیوم ، بنی سویف ، منیا ، اسیوط، جرجا ، قنا<sup>۲</sup>.

اعزام دانشجویان به خارج به توسط محمد علی پاشا در چندین مرحله صورت پذیرفته، که به ترتیب سنوات اعزام بدینگونه می توان به آنها اشاره نمود :

اعزام دانشجویان از سال ۱۸۱۳ میلادی وسالهای پس از آن صورت گرفته، واولین کشوری هم که آنها اعزام شده اند ایتالیا جهت آموزش فنون نظامی وساخت کشتی وآموزش مهندسی بوده است، واین اعزام ها بزرگ نبوده وبصورت گروهای کوچک صورت گرفته است ، اما اعزام های بزرگ به ترتیب ذیل باشند :

\*اولین اعزام بزرگ در سال ۱۸۲۶ م بود، که تعداد آنها تا سال ۱۸۲۸ م به ۴۴ نفر می رسد، که به فرانسه اعزام شدند تا در رشته های حقوق ، دریانوردی وفنون آن ، پزشکی وجراحی ، آبیاری ، ساخت اسلحه وتوپ وفنون جنگی ، کشاورزی ، چاپ ، حفاری ، علوم سیاسی ، تاریخ طبیعی ، معادن وشیمی آموزش به بینند .

<sup>۱</sup> هند اسکندر عمون ، تاریخ مصر ، ص ۲۰۹

<sup>۲</sup> نگاه کنید ، عبد الرحمن الرفعی ، منبع پیش ، ص ۴۰۴-۴۰۶



\*دومین اعزام در سال ۱۸۲۸ میلادی با ارسال ۲۴ نفر به فرانسه صورت پذیرفته، برای آموزش رشته های هندسه و ریاضیات ، علوم سیاسی ، پزشکی ، ترجمه ، اداره املاک .

\*سومین اعزام در سال ۱۸۲۹ میلادی به فرانسه ، انگلستان ، اتریش. و طبق آمار تعداد آنها را حدود ۷۳ دانشجو ذکر کردند که برای آموزش رشته های ذیل اعزام شده بودند: صنعت جواهر سازی ، نساجی پارچه های حریر ، نقاشی ، خیاطی ، کفش ، شمشیر سازی ، موم مهر ، موم عسل ، ابزار جراحی ، کشتی سازی در فرانسه ، جوخ سازی ، ابزار علوم فلکی ، میکانيك ، چینی در دو کشور دیگر .

\*چهارمین اعزام در سال ۱۸۳۲ میلادی به فرانسه با ۱۲ دانشجو صورت گرفته است .

\*پنجمین اعزام در سال ۱۸۴۴ میلادی با ارسال هفتاد دانشجو به فرانسه انجام یافته است .

\*ششمین اعزام در سال ۱۸۴۵ میلادی شامل اعزام ۳ دانشجو به اتریش بوده است

\*هفتمین اعزام در سال ۱۸۴۷ میلادی با ارسال ۵ نفر از دانشجویان ازهر به فرانسه انجام گرفته است .

\*هشتمین اعزام در سال ۱۸۴۷ میلادی بوده (یعنی همین سال اعزام پیش) که طی آن ۲۱ نجار به انگلستان اعزام می شوند .



\*نهمین اعزام نیز در سال ۱۸۴۷ میلادی انجام گرفته که طی آن ۴۵ دانشجو به انگلستان و فرانسه اعزام می شوند<sup>۱</sup>

به طور کلی می توان گفت که یکی از اعمال برجسته " محمد علی پاشا " در مصر تلاش او برای احیای علوم و ادبیات در مصر بود، که این کار را با تأسیس مدارس و اعزام هیأتی از دانشجویان به اروپا بانجام رسانید .

## ۲- روزنامه وقایع مصریه :

محمد علی پاشا در ۲۵ جمادی الاولی در سال ۱۲۴۴ هـ (سوم دسامبر ۱۸۲۸ م) دستور به تأسیس روزنامه رسمی - وقایع مصریه - بدو زبان عربی و ترکی داد ، البته قبل از تأسیس این روزنامه ، روزنامه دیگری به نام "ژورنال خدیوی" در چاپخانه کوچکی در قلعه بچاپ میرسید که اختصاص به گزارش های وارده از اقلیمهای مصر داشت<sup>۲</sup>.

در سال ۱۲۵۷ هـ (۱۸۴۱م) محمد علی پاشا از دیوان معارف خواست که به بررسی موضوعات روزنامه وقایع مصریه بپردازند، بطوریکه اخبار این روزنامه منحصر به وقایع داخلی مصر نشد بلکه حوادث خارجی نیز در این روزنامه قید شود ، همچنین تصمیم گرفته که "رفاعه طهطاوی" به ترجمه روزنامه های خارجی

<sup>۱</sup> نگاه کنید ، محمد صبری ، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث ، ص ۵۴-۵۶ ؛ عبد الرحمن الرفاعی ، عصر محمد علی ، ص ۴۰۷-۴۲۲

<sup>۲</sup> محمد فؤاد شكري ، بناء مصر ، قاهره ۱۹۴۸ م ، ص ۱۲۵



وعلاوه بر آن به ترجمه قطعات ادبی از کتابهای خارجی پرداخته و در این روزنامه بچاپ رسانند.<sup>۱</sup>

و بدین ترتیب در ۲۷ ذی القعدة سال ۱۲۵۷ هجری این مهم بعهده رفاعة الطهطاوی گذاشته شد تا اخبار مهم خارجی و قطعات ادبی ترجمه در روزنامه بچاپ رساند، وی با فرهنگ فرانسوی و عربی آشنائی کامل داشت.<sup>۲</sup>

این روزنامه اولین روزنامه عربی است که در مصر چاپ شده و در تاریخ معاصر مصر قبل از آن هیچ روزنامه ای به چاپ نرسید است.<sup>۳</sup>

بنابر این میتوان گفت مصر نخستین گاهواره روزنامه در بلاد عرب است.<sup>۴</sup>

### ۳- ترجمه و نشر کتاب :

<sup>۱</sup> محمد فؤاد شكري ، بناء مصر، ص ۱۲۵

<sup>۲</sup> نگاه کنید ، جمال الدين الشیال ، تاریخ الترجمة والحركة فی عصر محمد علی ، القاہرہ ، ۱۹۵۴ م ، ص ۱۴۰. رفاعة طهطاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳) یکی از دانشجویان عصر محمد علی و رجال نامی مصر می باشد، که در سال ۱۸۲۶ م در جامع ازهر سمت اسنادی داشت و محمد علی پس از دیدن استعداد او وی را به پاریس روانه نمود ، طهطاوی پس از مراجعت بمصر کتب بسیار تألیف کرد ، دانشکده السنه خارجه به پیشنهاد وی و امر محمد علی تأسیس گشت ، طهطاوی پیشقدم آزادی زنان مصر بوده و کتابی در این باب تألیف کرده است بنام "المرشد الامین للبنات والبنین" وی پیشروی نثر جدید با نشر کتاب "تلخیص الابریز فی تخلص باریز" می باشد، وی قصه تلماک را از زبان فرانسه ترجمه کرده است و او و شاگردانش در مدرسه عالی زبان پیش از دو هزار کتاب به زبان عربی ترجمه نمودند ... نگاه کنید ، علی جواهر کلام ، تاریخ عصر خاندان محمد علی بزرگ ، ص ۶۸ .

<sup>۳</sup> عبد الرحمن الرفاعی ، عصر محمد علی ، ص ۴۸۶

<sup>۴</sup> حنا الفاجوری ، تاریخ ادبیات زبان عربی ، ص ۶۵۲، ۶۶۱





محمد علی پاشا عده ای از جوانان مصری برای فرا گرفتن فن چاپ به فرنگستان روانه کرد، و همینکه آنها باز گشتند نخستین چاپخانه مصر را به نام "المطبعة الاهلية" - معروف به مطبعة بولاق - را در سال ۱۸۲۱ میلادی تأسیس کرد.<sup>۱</sup>

این چاپخانه به شیوه فرانسوی تأسیس شد، و کتاب های مفید در آن به چاپ رسید که بیشتر از مؤلفات اروپائی در تاریخ و جغرافیا و علوم طبیعی و هنرهای جنگی و علوم سیاسی و پزشکی بود.<sup>۲</sup>

و وقتی که دسته اول دانشجویان از فرنگستان آمدند در قلعه بحضور پاشا شرفیاب گشتند، و پاشا امر داد تمام آنان در قلعه بمانند، و هر يك كتابی در فن خویش ترجمه کند ، همین يك اقدام عالی میرساند که محمد علی پاشا شرفیاب گشتند و پاشا امر داد تمام آنان در قلعه بمانند و هر ، همین يك اقدام عالی میرساند که محمد علی پاشا نه تنها بمصر بلکه بعالم شرق اسلام خدمات شایانی کرده، و یکی از مؤثرترین عوامل انتقال تمدن و علوم غرب بشرق: محمد علی پاشا بوده است.<sup>۳</sup>

و در این باره سلطان عبد العزيز خلیفه عثمانی در موقع زیارت قبرستان محمد علی پاشا در قاهره اظهار داشت " حقا که از يك مردان نامی روزگار بوده، و هستی و نامت همیشه جاودان خواهد ماند " .<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> حنا الفاخوری ، تاریخ ادبیات زبان عربی ، ص ۶۵۱

<sup>۲</sup> هند اسکندر عمون ، تاریخ مصر ، ص ۲۰۹

<sup>۳</sup> علی جواهر کلام ، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ ، ص ۶۸

<sup>۴</sup> الیاس الایوبی ، تاریخ مصر فی عهد اسمعیل ، قاهره ۱۹۲۳ ص ۴۵



### محمد علی پاشا وامیر کبیر

برای آشنائی به اصلاحات فرهنگی در ایران و مصر لازم است با شخصیت و کارهای محمد علی پاشا وامیر کبیر آشنا شویم :

محمد علی پاشا (۱۲۲۱ هـ / ۱۸۰۵ م - ۱۲۶۵ هـ / ۱۸۴۹ م) :

محمد علی شخصی فروتن و از خانواده ای متواضع بود، او از يك سرباز ساده به حکومت رسید با اینکه وی درس نخواند و بیسواد بود، ولی بزرگترین آموزش وی از طبیعت بوده است. وی در ۴۵ سالگی به آموختن علم پرداخت.

زمانیکه محمد علی وارد مصر شد ملاحظه نمود که مردم از درد بزرگی در عذابند، وقتی به بررسی مشکلات مصریان پرداخت فهمید که آنان مشتاق آزاد استقلال وطن می باشند. بهمین منظور وی در تمام مراحل حکومت خود سعی نمود تا این آرزوی مصریان را بر آورده سازد، در ضمن، خود نیز علاقمند به رسیدن به حکومت مصر بود - ، که بالآخره به همراهی و پشتیبانی رجال نامی مصر به این مقصود نائل آمد.

وقتی محمد علی به سلطنت مصر رسید دست به اقدامات بسیاری جهت اصلاحات کشور مصر زد ، که از جمله این اصلاحات فرهنگی مدارس بسیاری زیادی تأسیس نمود، دانشجویان زیادی را به خارج فرستاد، تا در آنجا آموزش دیده و سپس به مصر باز گشته و به تعلیم دیگر مصریان بپردازند، او گروه ها و هیأت‌های آموزش زیادی را به خارج فرستاد حتی در یکسال چندین گروه چند نفر به خارج می فرستاد ، هزینه گزاف ارسال این هیأت‌های علمی به خارج موجب بهم خوردن بودجه کشور گردید، ولی مصر سود علمی بسیار زیادی از رفتن این دانشجویان به خارج به



دست آورد . وی علاوه بر احداث دانشکده بسیاری در مصر اقدام به ایجاد چاپخانه نمود که باین کار انتشار و چاپ و ترجمه و تألیف کتابها را در مصر رونق بخشید، همچنین وی اولین روزنامه دولتی را بنام روزنامه وقایع مصریه را در آن کشور انتشار داد.

بطور کلی میتوان گفت که محمد علی تمام عمر خود را صرف اصلاحات داخلی در مصر نمود .

امیر کبیر (۱۲۶۴هـ / ۱۸۴۸م - ۱۲۶۸هـ / ۱۸۵۲م)

شخصیت میرزا تقی خان امیر قبل از رسیدن به صدارت در خانه میرزا ابو القاسم قائم مقام نشأت گرفت، وی از این مرد بزرگوار نوشتن خط و مشق و ادبیات ، تاریخ ، و حساب آموخت و شخصی با علم و دانش شد. پس امیر کبیر وارد خدمت دیوان شد، در دستگاه عباس میرزا و وزیر او "میرزا ابو القاسم قائم مقام" با سیاست اصلاحات آشنا شد، وی طی سفرهایی که به روسیه و ارزنه روم نمود از مشاهده مدارس و کارخانه ها چیزهای بسیار آموخت .

رفتن امیر کبیر به ارزنه روم بعنوان نماینده دولت ایران برای وی بسیار مفید بود، زیرا در آنجا با تنظیمات دولت عثمانی آشنا شده، و از اصلاحات محمد علی پاشا در مصر با خبر شد .

وقتی که وی به مقام صدارت رسید دست به اصلاحات فرهنگی بسیاری در ایران زد، از جمله تأسیس دار الفنون و احداث روزنامه وقایع اتفاقیه بود.

وی که از اصلاحات محمد علی پاشا در مصر باخبر شده بود، برای رونق آموزش در ایران وی به اقداماتی زد، و در این مورد بر عکس محمد علی کار نمود؛ یعنی بجای آنکه با فرستادن دانشجویان به خارج از کشور خللی در بودجه کشور



بیاورد استادانی از خارج وارد نمود تا به آموزش دانشجویان ایرانی بپردازند،  
واینکار وی بر عکس کار محمد علی پاشا هزینه کمتری در برداشت.

باینکه مدت حکومت وی سه سال وچندی بود اما اصلاحات وی بقدری  
مفید بود که میتوان آنرا پایه و اساس علمی امروزه در ایران دانست .

### خاتمه

برغم اینکه اقدامات امیر کبیر فقط طی سه سال وچندی به صورت گرفته با اقدامات  
چهل وچهار سال محمد علی در مصر کاملاً مشابه بوده، وبهمان اندازه مفید وکار  
ساز بوده است.

اما هر چند که این دو شخص بدنبال يك هدف بوده اند، ولی ملاحظه می شود که  
در نحوه اجرای اهداف خود هر کدام شیوه خاصی در پیش گرفته است، و هر دو  
آثار جاودان از خود بجا گذاشته اند که همیشه خاطره آنان را در نزد ایرانیان  
ومصریان زنده نگاه خواهد داشت .





### فهرست منابع و مأخذ

#### اول: منابع و مأخذ فارسی

- ۱- آدمیت ، فریدون ، امیرکبیر و ایران ، چ هشتم ، تهران ۱۳۷۸ ه . ش
- ۲- آشتیانی ، عباس اقبال ، میرزا تقی خان امیر کبیر ، چ ۲ ، تهران ۱۳۵۵ ه ش
- ۳- آل داود ، سید علی ، اسناد و نامه های امیر کبیر ، چ اول ، تهران
- ۴- آربابی ، بهداد ، طلوع رستاخیز (دوران اصلاحات امیر کبیر) ، چ اول ، تهران ۱۳۷۹ ه ش
- ۵- انقطاع ، ناصر ، امیر کبیر فرزندان خلف ایران ، تهران ۱۲۵۰ ه ش
- ۶- پناهی سمنانی ، احمد ، امیر کبیر تجلی افتخارات ملی ، چ اول ، تهران ۱۲۶۲ ه ش
- ۷- رافسنجانی ، علی اکبر هاشمی ، امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار ، چ ۱۱ ، تهران ۱۲۷۳ ه ش
- ۸- سایکس ، سرپرسی ، تاریخ ایران ، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی ، ج ۲ ، چ ۵ ، تهران ۱۳۷۰ ه ش
- ۹- شمیم ، علی اصغر ، ایران در دوره سلطنت قاجار ، چ ۳ ، تهران ۱۳۷۱ ه ش
- ۱۰- علی جواهر کلام ، تاریخ مصر ، خاندان محمد علی بزرگ ، تهران ۱۳۳۰ ه ش
- ۱۱- مدنی ، سید جلال الدین ، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران ، جلد اول ، چ ۲ ، تهران ۱۳۷۰ ه ش
- ۱۲- مکی ، حسین ، زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ، چ ۵ ، تهران ۱۳۶۰ ه ش
- ۱۳- نجمی ، ناصر ، امیر کبیر ابر مرد جاودانه ، چ اول ، تهران ، ۱۳۷۶ ه ش
- ۱۴- نوائی ، عبد الحسین ، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری ، ج دوم ، چ اول ، تهران ۱۳۶۹ ه ش
- ۱۵- هاشمی ، محمد صدر ، تاریخ جرائد و مجلات ایران ، ج ۴ ، اصفهان ۱۳۶۴ ه ش
- ۱۶- یغمائی ، عباس اقبال ، دار الفنون ، تهران

#### دوم : منابع و مأخذ عربی

- ۱- ایمان محمد السعيد جمال الدين ، أمير کبیر ودوره في نهضة إيران الحديثة ، مع ترجمة مختارات من كتاب أمير کبیر لرافسنجانی کارناسی ارشد ، دانشکده ادبیات و انشگاه عین شمس ، چاپ نشده
- ۲- الأیوبی ، الیاس ، تاریخ مصر فی عهد اسماعیل ، القاهرة ۱۹۲۳ م
- ۳- محمد علی سیرته و أعماله و آثاره ، قاهره ۱۹۲۳ م



- ٤- اسكندر هند ، عمون ، تاريخ مصر ، دار المعارف ، القاهرة ، ١٢٤١ هـ ١٩٢٣ م
- ٥- دودويل ، هنرى ، محمد على مؤسس مصر الحديثة ، ترجمه احمد محمد عبد الخالق بك وعلى أحمد شكرى ، مكتبة الآداب ، القاهرة
- ٦- الرافعى ، عبد الرحمن ، عصر محمد على ، قاهره ، دار المعارف ، ١٤٠٢ هـ ١٩٨٢ م
- ٧- الشاعر ، جلال الدين ، حقائق ومعالم من التراث الحضارى ، القاهرة
- ٨- شكرى ، محمد فؤاد ، بناء مصر ، دار الفكر العربى ، القاهرة ١٩٥١ م
- ٩- الشيبال ، جمال الدين ، تاريخ الترجمة ، الحركة الثقافية فى عصر محمد على ، القاهرة ، دار الفكر العربى، ١٩٥١ م
- ١٠- صبرى ، محمد، تاريخ مصر، من عهد محمد على إلى العصر الحديث ، مكتبة مدبولى ، القاهرة ١٤١٧ هـ ١٩٩٦ م
- ١١- الفاخورى ، حنا ، تاريخ ادبيات زبان عربى، ترجمة عبد الحميد آيتى ، تهران ، انتشارات فردوسى

#### روزنامه

- ١- احمدى ، مهراڻ امير، امير كبير واصلاحات ، روزنامه اطلاعات ، ٦ آذر ١٣٨٠ هـ ش
- ٢- روزنامه وقايع اتفاقيه

#### مجله

پورحسن ، ياد سالگرد در گذشت امير كبير ، "امير بيدارى " ، مجله نمايه